

فصلنامه دانش انتظامی سمnan ، دوره چهاردهم ، شماره پنجاه و یکم ، بهار ۱۴۰۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۱۲/۱۴

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۰۵/۳۱

صفحات: ۲۱-۸

جایگاه به رسمیت شناختن حقوق مالکیت فکری در ایران و کشور های غربی

نویسندگان:

بنیامین طاهری^۱،* محمدعلی دهقانپور^۲، محمد وحید شفقت^۳

چکیده

تعارض منافع از موضوعاتی است که در هر زمینه و وضعیت ممکن است ایجاد شود. تعارض منافع انواع مختلف و متفاوتی دارد از تعارض منافع میان دو شخص تا تعارض منافع میان دو گروه و جمعیت. تعارض منافع عمومی و خصوصی نیز نوعی از انواع تعارض منافع می-باشد که در این تعارض، منافع یک فرد یا یک گروه افراد در مقابل منافع جمعی یک جامعه قرار می-گیرد. حال موضوع تعارض منافع عمومی و خصوصی در حقوق مالکیت فکری و نظام جهانی آن نیز وجود دارد. تعارض منافع در حقوق مالکیت فکری امری بدیهی است اما باید معنای دقیق و اثرات ناشی از این تعارض بررسی و اثبات گردد. تعارض منافع عمومی و خصوصی در حقوق مالکیت فکری ناشی از خود حمایت های حقوق مالکیت فکری می-باشد اما این تعارضات باید به نحوی مدیریت شود که باعث نادیده گرفته شدن منافع عمومی نشود زیرا هدف از اعطای حقوق مالکیت فکری تنها حمایت از پدیدآورندگان نیست و رشد علمی ، فرهنگی ، تکنولوژی و در نهایت ارتقاء کیفی سطح زندگی انسان ها و جوامع نیز می-باشد. حال بهترین راه برای محقق شدن هر دو هدف یعنی تامین منافع پدیدآورندگان یا همان منافع خصوصی و هم تامین منافع جوامع یعنی منافع عمومی مدیریت تعارض منافع و تلاش برای ایجاد تعادل منافع می-باشد. در این پژوهش با بررسی تعارض منافع در حقوق مالکیت فکری و تمامی ظرفیت های موجود در این حقوق سعی بر آن شده است که موارد تعارض منافع بیان و سپس راهکار هایی را برای کاهش تعارض منافع و حرکت به سوی تعادل منافع حداقل به ایجاد تعادل در حقوق مالکیت فکری ایران دست پیدا کنیم.

کلید واژه ها : تعارض منافع، حقوق مالکیت فکری، نظام حقوقی ایران، منافع عمومی، منفعت

خصوصی

۱ : کارشناسی ارشد، گروه حقوق بین الملل، دانشکده حقوق، دانشگاه قم - benyamin.taheri021@gmail.com

۲ : کارشناسی ارشد، گروه حقوق مالکیت فکری ، دانشکده حقوق ، دانشگاه قم- mohammadalidehghanpour24@gmail.com

۳ : کارشناسی ارشد، گروه حقوق مالکیت فکری ، دانشکده حقوق ، دانشگاه قم- shafaghat.vahid@gmail.com

۱- مقدمه

ضرورت بررسی مسئله تعارض منافع در حقوق مالکیت فکری ایران که هنوز مبنای مشخصی برای آن انتخاب نشده است از این جهت اهمیت دارد که می توان با بیان و طرح این موضوع ضرورت و نیاز کشورمان در تعیین این که توجه و حمایت از کدام یک از منافع خصوصی و عمومی دارای منفعت بیشتری برای کشور است و باعث پیشرفت کشور از لحاظ علمی و فرهنگی می شود را تعیین کرد. در جهت بررسی تعارض منافع در نظام مالکیت فکری ابتدا باید دو مسئله مطرح و بررسی گردد. اولین موضوع در این رابطه اثبات وجود تعارض میان منافع عمومی و خصوصی می باشد و بعد از این اثبات وجود این موضوع باید چالش های به وجود آمده پیرامون آن و همچنین راهکارهای مقابله با آن بررسی شود. دومین موضوع که باید بررسی گردد راه ها و روش هایی است که با استفاده از آن بتوان تعارض موجود را در حدی تقلیل داد که منافع عمومی و خصوصی در نظام مالکیت فکری به تعادلی نسبی با یکدیگر برسند. موضوعات فرعی دیگری نیز مطرح می باشد در این رابطه وجود دارند که نیاز به دقت و تامل دارند، مانند تشویق به تولید علم، دسترسی افراد جامعه به آثار فکری و نگاه هر کشوری نسبت به حقوق خصوصی و حقوق عامه که این موضوعات را مرتبط با دو موضوع اصلی بیان شده می باشد. برای بررسی این موضوعات باید در ابتدا مبنای مورد نظر برای حمایت از حقوق مالکیت فکری ابتدا مورد بررسی قرار گیرد و سپس کنوانسیون ها و قواعد بین المللی در مورد حقوق مالکیت فکری بررسی شود و در نهایت قوانین کشور های پیشرو در زمینه حقوق مالکیت فکری مانند فرانسه، آمریکا و انگلستان بررسی میشود البته در ایران یک پارامتر دیگر نیز وجود دارد که احتیاج به تامل و اهمیت دادن به آن وجود دارد و آن مسائل فقهی می باشد. با بررسی این پارامتر ها می توان به پاسخ هایی در این زمینه دست یافت که دو موضوع اصلی یاد شده به صورت کامل روشن و واضح شود و در نهایت بتوان تصمیم و راهکاری تبیین گردد که بتواند موضوع تعارض منافع را به سمت و سوی تعادل منافع پیش ببرد.

۲- وضع قوانین و تشکیل حقوق مالکیت فکری در فرانسه

در کشور فرانسه در زمینه مالکیت ادبی و هنری اولیه جرقه های به رسمیت شناخته شدن حق مولف با رای شورای پادشاهی در مورخ ۳۰ اوت ۱۷۷۷ میلادی با شناسایی حق کتاب فروشان و مولفان و تفکیک آنان از یکدیگر بود اما باز هم این رای را نمی توان قانون تلقی نمود و مانند حمایت های قرون وسطی ریشه در امر پادشاه داشت و هدف ایجاد انتظام در این زمینه را داشت تا هدف حمایت از پدیدآورنده و رشد جامعه. اما در سال ۱۷۹۳ اولین قانون در رابطه با حمایت از مولف در فرانسه به تصویب رسید. این قانون تحت عنوان «اعلامیه حقوق پدیدآورندگان خلاق» به تصویب رسید. در این قانون حق نمایش برای آثار نمایشی و حق تکثیر برای نگارش ها و همچنین حقوقی

برای طراحان و نقاشان به رسمیت شناخته شد.^۱ این قانون بیش مبتنی بر حقوق ذاتی مولف و فلسفی بود و نحوه نگارش آن با قانون موجود در انگلستان متفاوت بود. این قانون منشا اثر برای روی قوانین بعد خود در کشور های دارای نظام حقوق نوشته بود.^۲ قانون مذکور فاقد حقوق معنوی بود و تنها شامل حقوق مادی می شد بنابراین حقوق معنوی که در پایان قرن ۱۹ میلاد تکمیل و در دادگاه ها به رسمیت شناخته شده بود^۳ به حقوق مادی الحاق و قانون جدیدی در سال ۱۹۵۷ تصویب شد که برای اولین بار هر دو حق مادی و معنوی را دارا بود.

در زمینه مالکیت صنعتی اولین قانون در حمایت از حق اختراع در سال ۱۹۷۱ و بعد از انقلاب کبیر فرانسه به تصویب رسید. در فصل ۱ قانون فرانسه مصوب سال ۱۷۹۱ نوشته شده بود: تمامی اختراعات جدید از حقوق نویسنده و مخترع محسوب میگردند و تمامی حقوق آن اختراع از ۱۵-۵ سال برای وی محفوظ خواهد بود. در زمینه علامت تجاری اولین قانون در این زمینه در سال ۱۸۰۳ میلادی در فرانسه به تصویب رسید تحت عنوان « قانون مربوط به مارخانه ، تولید و محل کار» که در ماده ۱۶ آن استفاده از علامت دیگری را جرم تلقی کرد بود. میت.تن اینگونه بیان کرد که حقوق مالکیت فکری با تصویب قوانین از ۱۷۹۱ تا ۱۸۰۳ دارای حقوق مالکیت فکری شد که هم از مالکیت ادبی و هنری و هم از مالکیت صنعتی حمایت می کرد.

۳-وضع قوانین در انگلستان و تشکیل حقوق مالکیت فکری در آن کشور

انگلستان در زمینه حمایت از آثار ادبی و هنری اولین کشور است که قانون تصویب کرد و به حمایت از این آثار پرداخت . این قانون در سال ۱۷۱۰ میلادی تحت عنوان قانون ملکه آن به تصویب رسید این قانون اولین مدرن حمایت از آثار ادبی و هنری بود. این قانون در رابطه با حق مولف و کتاب بود و دیگر زمینه های مالکیت ادبی و هنری را در بر نمی گرفت اما تا سال ۱۸۰۰ میلادی حدود ۱۴ قانون در زمینه های مختلف ادبی و هنری تصویب شد که باعث تعدد قانون گشته بود و در نهایت بعد از پذیرش کنوانسیون برن در سال ۱۹۱۱ برای رعایت استاندارد های حداقلی برن قانون کپی رایت خود را به تصویب رساند.

در زمینه مالکیت صنعتی و حق اختراع اولین بار که به شکل قانونی حقی برای مخترعین در نظر گرفته شد مربوط به قانون ضد انحصار یا مونوپولی^۴ است که در سال ۱۶۲۴ تصویب شد و در آن حق انحصاری مخترعین بر اخلاراع های خودشان را استثنائی بر قواعد ضد انحصار قلمداد کرد.^۵ در

۱ : زر کلام همان ، ص ۱۲

۲ : شبیری زنجانلی همان، ص ۱۰۴

3- Pollaud -Dulian, Federic (2005), Le droit d auteur, Economica,p373

4 -monopoly

5-Peter Drahos, p22

زمینه علامت تجاری می‌توان گفت که نقض این علائم در انگلیس از زمان‌های گذشته توسط سیستم و دادگاه کامن لا مورد مجازات قرار می‌گرفت اما قانون مدرن در این زمینه در سال ۱۹۰۵ در انگلیس تصویب شد. البته این قانون قانونی جامع بود که هم شامل نحوه ثبت علامت تجاری و هم راجع به نقض و علائم مشابه بود اما قبل آن در سال‌های ۱۸۶۲ و ۱۸۷۵ قوانینی به ترتیب در زمینه‌های یاد شده تصویب گشته بود.^۱ بنابراین انگلستان از سال ۱۷۱۰ تا سال ۱۹۱۱ به طول کشید که حقوق مالکیت فکری در آن تشکیل شود.

۴- وضع قوانین در آمریکا و تشکیل حقوق مالکیت فکر در آن کشور

جریان تصویب اولین قانون کپی رایت در آمریکا به کنوانسیون قانون اساسی در سال ۱۷۸۷ باز می‌گردد، که دو سناتور آمریکایی پیشنهادهایی ارائه کردند که به کنگره این امکان را می‌داد که برای مدت محدودی حق چاپ را به مولف کتاب اعطا کند.^۲ این پیشنهادات منشأ بند حق چاپ در قانون اساسی ایالات متحده است که بیان می‌کند: کنگره دارای قدرت ... برای ارتقای پیشرفت علم و هنرهای مفید، با تضمین حق انحصاری نوشته‌ها و اکتشافات مربوطه به نویسندگان و مخترعان برای مدت محدودی است.^۳ بعد از تصویب این اصل کنگره برای اولین بار با قانون حق چاپ در سال ۱۷۹۰ از اختیارات کپی رایت خود استفاده کرد. این قانون به نویسندگان حق انحصاری انتشار و فروش "نقشه‌ها، نمودارها و کتاب‌ها" را برای مدت ۱۴ سال داد. این دوره ۱۴ ساله برای یک دوره ۱۴ ساله دیگر قابل تمدید بود، اگر نویسنده در پایان اولین بار زنده بود.^۴

در رابطه با مالکیت صنعتی و حق اختراع قانون ۱۹۷۰ «قانونی برای ارتقای پیشرفت هنرهای مفید» بر اساس اختیار کنگره بر اساس اصل ۸ قانون اساسی به تصویب رسید. البته قبل از آن در بعضی از ایالت‌ها قانون‌هایی برای حمایت از اختراع وجود داشت اما قانون ثبت اختراع در سال ۱۷۹۰ اولین قانون ثبت اختراع فدرال ایالات متحده بود. قانون فدرال به دارندگان حق اختراع یک دوره ۱۴ ساله حق انحصاری استفاده از اختراعات خود را بدون امکان تمدید اجازه می‌دهد. این برای بسیاری از مخترعانی که خواهان طولانی شدن زمان حفاظت برای اختراعات خود بودند، رضایت بخش نبود. آنها استدلال کردند که ۱۴ سال کافی نیست، با توجه به اینکه اغلب چندین سال طول می‌کشد تا اختراعات آنها تجاری شود. نکته مهم دیگر قانون ثبت اختراع ۱۷۹۰ این بود که به خارجی‌ها اجازه نمی‌داد در ایالات متحده حق ثبت اختراع بگیرند. قوانین ایالات متحده از

1-Bently, Lionel, "The Making of Modern Trade Marks Law: The Construction of the Legal Concept of Trade Mark (1860-80)" in Lionel Bently, Jane C. Ginsburg & Jennifer Davis (eds), Trade Marks and Brands: An Interdisciplinary Critique (Cambridge University Press, 2008)

2- Donner, Irah (July 1992). "The Copyright Clause of the U. S. Constitution: Why Did the Framers Include It with Unanimous Approval?". The American Journal of Legal History, p361-378

3 - United States Constitution, Article I, Section 8, clause 8

4- Peter K, Yu (2007). Intellectual Property and Information Wealth: Copyright and related rights. Greenwood Publishing Group. p. 143

زمان استعمار از علائم تجاری تحت قانون عرفی ایالتی حمایت می کرد، اما تا سال ۱۸۷۰ بود که کنگره برای اولین بار تلاش کردیک رژیم علامت تجاری فدرال ایجاد کند. این اساسنامه ۱۸۷۰ ظاهراً اعمالی از اختیارات بند حق نسخه برداری کنگره است، با این حال، دادگاه عالی قانون ۱۸۷۰ را در پرونده های علامت تجاری لغو کرد. در سال ۱۸۸۱، کنگره قانون علامت تجاری جدیدی را تصویب کرد، این بار بر اساس اختیارات بند بازرگانی خود این کار را انجام داد اما در سال ۱۹۰۵ آن را بازبینی کرد. بنابراین ایالات متحده از سال ۱۷۹۰ تا ۱۸۸۱ طول کشید تا دارای حقوق مالکیت فکری مدرن شود.

قبل از بررسی ایران باید بیان کرد که پروسه های تشکیل حقوق مالکیت فکری به شکلی که هم شامل قانونی در رابطه با مالکیت ادبی و هنری یا همان کپی رایت باشد و هم مالکیت صنعتی و دو زیرشاخه مهم آن اختراعات و علائم تجاری را در برگیرد در این سه کشور که کشورهای پیشرو در حقوق مالکیت فکری است گاهی یک قرن یا بیشتر طول کشیده است. این زمان خود نشان دهنده تبدیل حقوق مالکیت فکری به نظام حقوق مالکیت فکری می باشد که قرن ها طول کشیده است تا قوانینش تصویب گردد و تا امروز بارها مورد بازبینی قرار گیرد.

۵- وضع قوانین مالکیت فکری در ایران

به شکل قانونی در ایران اولین قانونی که در رابطه با مالکیت فکری صحبت و مقرره وضع کرده است قانون جزای سال ۱۳۱۰ در مواد ۲۴۸ تا ۳۴۵ است که مجازات برای دسیسه در کسب و کار و تجارت به خصوص برای چاپ بی اجازه تصنیفات دیگران را چاپ نمایند تعیین کرده است. اولین قانون تخصصی در زمینه مالکیت ادبی قانون مولفان ، مصنفان و هنرمندان در سال ۱۳۴۸ که تقریباً تمامی آثار ادبی و هنری را شامل می شود و تا امروز نیز پابرجا مانده است. در زمینه مالکیت صنعتی نیز در سال ۱۳۱۰ قانون ثبت علائم و اختراعات در ایران و در سال ۱۳۸۶ این قانون جای خود را به قانون ثبت اختراعات، طرح های صنعتی و علائم تجاری داد. نکته ای که در رابطه با قوانین مالکیت فکری در ایران وجود دارد این است که بر خلاف سه کشور قبلی برای هر کدام از زیر شاخه های مالکیت صنعتی و ادبی و هنری جداگانه قانونی وضع نشد که در آینده در قالب یک قانون جامع دربیایند. دلیل این امر هم می توان تشکیل نظام مالکیت فکری در جهان قبل از تصویب قانون در زمینه مالکیت فکری در ایران باشد و ایران از تجربیات و قوانین آنان در این کار استفاده کرد و قوانین خود را جامع وضع نمود.

۶. کنوانسیون برن

بررسی کنوانسیون برن از این جهات حائز اهمیت است که کنوانسیون برن مهم ترین کنوانسیون و سند بین المللی در رابطه با مالکیت ادبی و هنری در جهان می باشد و یکی از ارکان تبدیل شدن حقوق مالکیت فکری به نظام است زیرا توانست استاندارد های حداقلی حمایت از آثار ادبی و هنری را در سطح جهان و به صورت یکسان برای همه پدیدآورندگان در اکثر کشورهای جهان را فراهم سازد.

این کنوانسیون در تاریخ ۶ سپتامبر ۱۸۸۶ در شهر برن سوییس توسط کشورهای بلژیک، فرانسه، آلمان، ایتالیا، اسپانیا، سوئیس، تونس و انگلستان به امضا رسید. علت تشکیل این معاهده و در ادامه تبدیل به کنوانسیون شدن آن حمایت از آثار مالکیت فکری در زمینه ادبی و هنری در سطح بین المللی برای حفظ حقوق پدیدآورندگان بود. قبل از کنوانسیون برن کشورها بر اساس اصل سرزمینی از آثار ادبی و هنری پدیدآورندگان خارجی را به رسمیت نمی شناختند و از این آثار حمایتی به عمل نمی آوردند. بخاطر همین کشورهای دارای محصولات ادبی و هنری تراز اول در اروپا مانند فرانسه و با تحریک نویسنده مشهوری مانند ویکتور هوگو^۱ به دنبال تصویب کنوانسینی که از حقوق پدیدآورندگان در سراسر جهان حمایت کند حرکت کردند که نتیجه آن معاهده برن شد. معاهده برن همانطور که مشخص است با تلاش فرانسوی ها به سرانجام رسید به همین علت همین تحت تاثیر نظام حقوقی فرانسه است و از نظام حقوق نوشته پیروی می نماید تا نظام حقوقی کامن لا.^۲ قبل از کنوانسیون برن کشورها برای حمایت از آثار ادبی و هنری خود در سایر کشورها معاهده های دو جانبه امضا می کردند که این عمل باعث زیاد شدن تعداد معاهدات بود و همچنین اثر گذاری مطلوب را نداشت. این معاهده بارها مورد بازبینی قرار گرفته است که مهم ترین و آخرین آن در سال ۱۹۷۱ در پاریس بود با هدف حمایت هر چه بیشتر از آثار ادبی و هنری. امروزه ۱۷۷ کشور جهان عضو کنوانسیون برن هستند.

قواعد کنوانسیون برن الزام آور است و کشورهای عضو نمی توانند در قوانین داخلی خود از آن سرپیچی نمایند مگر در مواردی که خود معاهده اجازه داده است^۳ مانند استثنائات در رابطه با کشورهای در حال توسعه که در ماده ۲۱ به پیوست معاهده ارجاع داده شده است البته کنوانسیون برن استاندارد های حداقلی را ارائه می نماید به همین علت نمی توان از آن تخطی نمود اما می توان استاندارد های بالاتر و بیشتری را کشورها در قوانین خود در نظر گیرند و کنوانسیون

1 -Victor Hugo

2 -Baldwin, Peter (2016). The Copyright Wars: Three Centuries of Trans-Atlantic Battle. Princeton University Press. p. 15

در ماده ۲۰ به کشور های عضو اجازه انجام توافق برای اصلاح و تکمیل حمایت های کنوانسیون را اعطا کرده است. کنوانسیون برن از تمامی آثار ادبی و هنری را صرف نظر از شکل و شیوه بیان حمایت می نماید.^۱ اما این کنوانسیون در برابر بعضی از موضوعات سکوت کرده و مقرره ای در مورد این مسائل مشخص نکرده است، یکی از این موضوعات آثار ناشی از استخدام است و چون مقرره ای در این باب در برن وجود ندارد کشور ها با توجه به اصل سرزمینی در مورد این موضوع تصمیم می گیرند و در این رابطه آرای متعدد و متفاوتی در کشور ها صادر شده است. در مواد ۸ تا ۱۴ کنوانسیون برن حقوق مادی برای پدیدآوردگان شناسایی و بر شمرده شده است که عبارتند از: "حق ترجمه ، تکثیر ، ضبط صوتی و تصویری ، حق عرضه و اجرای عمومی، حق تعقیب" و از این قبیل حقوق . البته این حقوق به صورت مطلق نمی باشد بلکه دارای استثنائاتی نیز می باشد که در مواد ۹ و ۱۰ بیان شده است مانند استفاده در موارد معین و یا برای مقاصد آموزشی. البته همانطور که بیان شد کنوانسیون و معاهده برن تحت تاثیر فرانسه و نظام حقوق نوشته قرار دارد و حقوق معنوی را نیز برای نویسنده قائل شده است که می توان حق احترام و حق سرپرستی یا همان حقوق حرمت و انتصاب اثر را که در کنوانسیون به آن اشاره شده است نام برد.^۲ معاهده به دو حق دیگر معنوی که شامل حق افشا و حق عدول از اثر است اشاره و تصریحی ندارد.

کنوانسیون و معاهده برن یک سری از اصول را در خود جای داده است. این اصول عبارتند از: اصل رفتار ملی ، اصل حمایت بدون تشریفات و اصل استقلال حقوق. اصل رفتار ملی که در گذشته توضیح داده شد اکنون به بررسی دو اصل دیگر می پردازیم.

اصل حمایت بدون تشریفات : بهره مندی از حقوق یاد شده در معاهده برن مشروط به هیچ تشریفات نیست.^۳ بر اساس این اصل محصول فکری در زمینه ادبی و هنری که در یک کشور عضو ایجاد می شود و از حمایت در کشور مبدا برخوردار است بدون هیچ قید و شرط و تشریفات در دیگر کشور های عضو نیز مورد پذیرش و حمایت قرار می گیرد.

اصل استقلال حقوق: این اصل بیان می دارد که حقوق داخلی کشور ها از یکدیگر مستقل است و اگر در کشور مبدا یک محصول مالکیت فکری برای به رسمیت شناختن یک اثر نیاز به تشریفات باشد تا حمایت ایجاد گردد این امر مانع از آن نمی شود که برای دریافت حمایت در دیگر کشور های عضو پدیدآورنده مجبور به اثبات رعایت این تشریفات در کشور خود نیست و باید از محصول خود حمایت نماید. این موضوع در صورت عدم حمایت در کشور مبدا و نحوه حمایت متفاوت نیز

۱: ماده ۲ معاهده برن

۲: بند ۱ ماده ۶ مکرر

۳: بند دو ماده ۵ معاهده برن

باید رعایت و اجرا شود.^۱ این اصل استثناء نیز دارد که در رابطه با مدت زمان حمایت است. معاهده برن مقرر می‌کند که مدت حمایت در هر کشور که برای حمایت از آن درخواست شده است بر اساس مدت حمایت در آن کشور خواهد بود و این قاعده باید بر اساس اصل استقلال حقوق رعایت شود ام اینگونه نیست و حمایت از اثر تا زمان اعتبار و حمایت در کشور مبدا است یعنی اگر مدت حمایت در یک کشور از یک اثر سی سال و در کشور مبدا ۲۰ سال باشد از اثر مورد نظر در کشور مقصد ۲۰ سال حمایت می‌شود.

۷- کنوانسیون پاریس

در زمینه مالکیت صنعتی کنوانسیون پاریس مطرح است، این کنوانسیون در سال ۱۸۸۳ در شهر پاریس منعقد گشته است این کنوانسیون پس از یک کنفرانس دیپلماتیک در پاریس در سال ۱۸۸۰ در ۲۰ مارس ۱۸۸۳ توسط ۱۱ کشور امضا شد: بلژیک، برزیل، فرانسه، گواتمالا، ایتالیا، هلند، پرتغال، السالوادور و صربستان. این کنوانسیون هم مانند کنوانسیون برن یکی از اهدافش حمایت از پدیدآورندگان آثار زیر شاخه های مالکیت صنعتی (اختراع، علائم تجاری، طرح صنعتی و...) در کشور های عضو این کنوانسیون است. در نیمه دوم قرن نوزده بیشتر کشورهای اروپایی دارای قانون حق اختراع شدند اما مانعی وجود نداشت که جلوگیری نماید از استفاده سایر کشور ها که از آثار فکری کشورهای دیگر و به این شکل نیاز به تنظیم موافقت نامه ای در این زمینه احساس شد. ابتدا برای حل این مشکل کشورها توافق نامه های دو جانبه ایجاد نمودند اما این راه حل به طور کلی مشکل را حل نمی‌کرد؛ بنابراین به این نتیجه رسیدند که توافق نامه های چند جانبه ایجاد نمایند که این توافقات منجر به کنوانسیون پاریس شد. این کنوانسیون نیز مانند برن چندین بازنگری داشته است که مهم ترین و آخرین آن در سال ۱۹۷۹ در استکهلم سوئد بوده است. مقررات این کنوانسیون برخلاف کنوانسیون برن به دو دسته شکلی و ماهوی تقسیم می‌شود. مقررات ماهوی کنوانسیون به سه دسته اصلی تقسیم می‌شوند: رفتار ملی، حق تقدم و قواعد مشترک. رفتار ملی همانطور که مشخص است ابتکار معاهده پاریس است و بعد از آن هم در کنوانسیون های بعدی مورد پذیرش قرار گرفته است. علت نیاز به این اصل محدود کردن اصل سرزمینی است که بتوان از یک محصولات فکری و در اینجا مالکیت صنعتی در سطح جهان حمایت کرد.

الف) حق تقدم (اولویت)

این حق در ماده ۴ کنوانسیون پاریس بیان شده است و به عنوان یکی از ارکان کنوانسیون پاریس به شمار می‌رود. این قانون مقرر می‌دارد که متقاضی از یک دولت متعهد می‌تواند از اولین تاریخ تشکیل پرونده خود (در یکی از کشورهای متعهد) به عنوان تاریخ مؤثر تشکیل پرونده در یک کشور متعهد دیگر استفاده کند، مشروط بر اینکه متقاضی یا جانشین وی در عنوان درخواست، پرونده‌ای را به ثبت برساند. به عبارت دیگر حق تقدم کنوانسیون پاریس به پدیدآورندگان اجازه می‌دهد اختراعی را که در یک کشور ثبت کرده اند، در کشورهای دیگر نیز ثبت کنند و از تاریخ اولین اظهارنامه، مورد حمایت قرار گیرند.

ب) قواعد مشترک

در این بخش کنوانسیون پاریس شرایطی که هر یک از زیر مجموعه‌های مالکیت صنعتی از قبیل اختراع، علائم تجاری و غیره را باشد داشته باند تا بتوان آنان را فرضاً اختراع حساب کرد و به ثبت رساند تا حمایت شوند را مقرر کرده است. یکی از شرایط حمایت از محصولات مالکیت صنعتی عدم افشا آن تا قبل از درخواست ثبت می‌باشد.^۱ از آنجا که ایران نیز عضو کنوانسیون پاریس است پس برایش لازم الاجرا است و باید آنرا در قوانینش در نظر گیرد اما ماده ۱۱ کنوانسیون برای اختراعات و علائم تجاری و طرح‌های صنعتی که قبل از ثبت در نمایشگاه‌ها نمایش داده می‌شوند حفاظت موقت در نظر گرفته است و کشورها باید آنرا در قوانین خود لحاظ نمایند. همچنین اصل سرزمینی بودن نیز در کنوانسیون پاریس به رسمیت شناخته شده و طبق مواد ۴ و ۶ به ترتیب برای اختراعات و علائم تجاری برای اتباع بیگانه، درخواست ثبت اختراع یا ثبت علامت تجاری توسط کشور عضو مطابق با قوانین ملی خود تعیین می‌شود و نه با تصمیم کشور مبدا. در رابطه با شرایط شکلی هم کنوانسیون پاریس ثبت را باعث ایجاد حمایت در رابطه با آثار مربوط به مالکیت صنعتی می‌داند در حالی که در رابطه با آثار مالکیت ادبی و هنری اینگونه نیست.^۲

کنوانسیون پاریس نیز به عنوان مهم‌ترین معاهده و کنوانسیون در زمینه مالکیت صنعتی و یکی از ارکان تشکیل نظام مالکیت فکری بررسی شد. این کنوانسیون را می‌توان قدیمی‌ترین کنوانسیون در زمینه مالکیت فکری نامید که سعی کرد حقوق پدیدآورندگان در زمینه مالکیت صنعتی و به خصوص مخترعین را در سراسر اروپا و جهان حمایت و محافظت نماید و در این کار بسیار موفق بود به طوری که امروزه اکثر کشورهای جهان عضو این کنوانسیون هستند و در این راه ابتکارات و اصل رفتار ملی را وارد نظام مالکیت فکری کرد و قوانین و مقررات در مورد چگونگی و نحوه حمایت

۱: بند ۴ ماده ۴ قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری سال ۱۳۸۶

۲: گریاود، لایقی، غلامرضا، (۱۳۸۰)، الفبای حقوق پدیدآورنده(کیی رایت)، خانه کتاب، ص ۱۱۱

و مدت آن وضع نمود و در رابطه با هر کدام از زیر شاخه های مالکیت صنعتی شرایط حمایت از آنان را مقرر کرد.

۸- سازمان جهانی مالکیت فکری (وایپو)

الف) تاریخچه تشکیل و احساس نیاز به سازمان جهانی مالکیت فکری :

بعد از تشکیل کنوانسیون های پاریس و برن و همپنین ایجاد و به رسمیت شناختن حقوق مالکیت فکری در کشور و تشکیل و انعقاد معاهده های دیگر مانند موافقت نامه مادرید در سال ۱۸۹۱ در زمینه علائم تجاری و کنوانسیون رم ۱۹۶۱ برای حمایت از آثار صوتی و سازمان های پخش رادیو و تلویزیونی نیاز به یک سازمان بین المللی که بتواند تمامی این معاهدات را به صورت متمرکز اداره و هدایت کند احساس شد. البته کنوانسیون های پاریس و برن هر کدام دارای دفتر برای رسیدگی به امور و معاهده خود بودند که در شهر برن سوییس قرار داشتند و تحت نظارت دولت سوییس به انجام فعالیت های خود می پرداختند. بعد از مدتی در سال ۱۸۹۳ دولت سوییس این دو دفتر را با یکدیگر ادغام کرد و در نتیجه یک سازمان بین المللی به نام دفتر بین المللی برای حمایت از مالکیت فکری^۱ تاسیس شد. این سازمان در شهر برن تشکیل شد و تا سال ۱۹۶۰ که به شهر ژنو منتقل شد در این شهر وجود داشت. علت این انتقال نزدیک تر شدن این سازمان به سازمان های جهانی دیگر که در ژنو قرار داشتند بود. ده سال بعد بر اساس کنوانسیون استکهلم که در سال ۱۹۶۷ که مقرر می کرد که یک سازمان بین المللی جامع به جای دفتر بین المللی برای حمایت از مالکیت فکری تاسیس گردد این سازمان به سازمان جهانی مالکیت فکری یا همان وایپو تبدیل شد.^۲ در سال ۱۹۷۴ وایپو از طریق توافقنامه دوجانبه بین وایپو و سازمان ملل متحد به یک آژانس تخصصی سازمان ملل تبدیل شد. این مورد توسط مجمع عمومی وایپو در ۲۷ سپتامبر ۱۹۷۴ و توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد در ۱۷ دسامبر ۱۹۷۴ تصویب شد. بدین ترتیب وایپو تبدیل به یکی از ۱۵ سازمان تخصصی مالکیت فکری تبدیل شد و هم اکنون ۲۶ معاهده در رابطه با حقوق مالکیت فکری را اداره می کند. وایپو امروز یک سازمان با سازکار اجرایی و بخش های مجمع عمومی به عنوان رکن اصلی ، کنفرانس که شامل همه کشورهای عضو در وایپو است ، کمیته هماهنگی و دبیرخانه است.

1-BIRPI

2-Organization, World Intellectual Property; Intellectuelle, Organisation Mondiale De La Propriété (1992). The first twenty-five years of the World Intellectual Property Organization, from 1967 to 1992. WIPO Knowledge Repository. WIPO publication. International Bureau of Intellectual Property. p. 2۶

ب) اهداف و وظایف سازمان جهانی مالکیت فکری:

براساس ماده ۳ کنوانسیون موسس واپیو اهداف این سازمان را در دو بند تعریف می‌کند: ۱. ارتقاء حمایت از مالکیت فکری در جهان از طریق همکاری های متقابل دولت ها و واپیو با سایر سازمان های بین المللی ؛ ۲. ایجاد هماهنگی و حصول اطمینان از همکاری های اجرایی اتحادیه های پاریس و برن است. اما وظایف واپیو در ماده ۴ کنوانسیون تاسیس واپیو آمده است و این وظایف تعریف شده نشان دهنده نیاز به سازمان جهانی و بین المللی است فراتر از وظایفی که دفتر حمایت انجام می‌داد زیرا این دفتر تنها محدود به دو کنوانسیون پاریس و برن بود. این وظایف عبارت است از: ۱- توسعه ابزارها و اقدامات طراحی شده برای تسهیل حمایت اثر بخش از مالکیت فکری در دنیا و کمک به همگون سازی قوانین ملی در این زمینه ۲- انجام وظایف اجرایی اتحادیه های برن، پاریس و اتحادیه های وابسته ۳- همکاری در ایجاد و تشویق و حمایت از اجرای توافقنامه های بین المللی در حمایت از مالکیت فکری ۴- مشارکت در اجرای سایر موافقت نامه های مرتبط با حمایت از مالکیت فکری ۵- ارائه ی کمک های حقوقی و فنی در مورد مالکیت فکری به کشورهای متقاضی مساعدت ۶- ارائه خدمات و فعالیت های مقتضی در جهت تسهیل حمایت از مالکیت فکری و تدارک امکان ثبت بین المللی آن ها ۷- اطلاعات مربوط به حمایت از مالکیت فکری را جمع آوری و اشاعه می‌نماید، مطالعاتی در مورد مالکیت فکری انجام دهد و نتایج این مطالعات را منتشر نماید ۸- و اقدامات لازم دیگر

با توجه به اهداف و وظایف تعریف شده و شکل سازمانی و عضو سازمان ملل بودن واپیو می‌توان گفت که از سال ۱۹۷۰ که واپیو تاسیس شد حقوق مالکیت فکری جهان شمول شد و تبدیل به یک نظام با هدف ، دارای مدیریت و به رسمیت شناخته شده گشت. بنابراین حقوق مالکیت فکری که که از قوانین ونیز و ملکه آن شروع به رشد و اشاعه در کشور ها کرد و بعدا با کنوانسیون برن و پاریس از جنبه درون سرزمینی خارج و بین المللی شد با واپیو تبدیل به یک نظام رسمی جهانی تحت مدیریت سازمان ملل متحد شد.

۹- نتیجه گیری**الف) تاریخچه و علت انعقاد موافقتنامه تریپس:**

بعد از جهانی شدن حقوق مالکیت فکری و به رسمیت شناختن آن نیازی در رابطه با وضع قوانین و مقررات در مورد تجارت آثار فکری احساس شد. زیرا حقوق مالکیت فکری چه در زمینه مالکیت ادبی و هنری و چه در زمینه مالکیت صنعتی دارای محصولاتی است که قابلیت تجاری سازی و سود دهی بالایی را دارند و همچنین حقوق مادی که حقوق مالکیت فکری برای پدیدآورنده در نظر گرفته است بدون حمایت از آن در زمینه تجارت امکان پذیر نمی‌باشد و همانطور که قبلا بیان شد

مالکیت فکری بعد از واپس تبدیل به یک نظام شد همچنین، هیچ نظام حقوقی نمی تواند در حلال عملیاتی شود؛ بلکه استقرار حقوق مالکیت فکری نیازمند نظام حقوقی و قضایی قدرتمندی است که امکان مبادله دارایی ها را فراهم کند^۱. حال بعد از جهانی شدن تجارت و گسترش آن برای مدیریت تجارت این حقوق و آثار در میان کشور ها و سطح جهانی معاهده ای در سال ۱۹۹۵ همزمان با تشکیل خود سازمان تجارت جهانی در انتها مذاکرات اروگوئه که منتهی به تشکیل سازمان تجارت جهانی شد منعقد و تصویب شد در واقع تریپس همرا با دو معاهده دیگر تجارت کالا و خدمات معاهده های اصلی و تشکیل دهنده سازمان تجارت جهانی هستند. بنابراین این معاهده تحت نظارت و مدیریت سازمان تجارت جهانی است و توسط واپس اداره نمی شود.

علت انعقاد معاهده تریپس عدم وجود قوانین واضح و مشخص در زمینه مدیریت تجارت آثار فکری بود بنابراین به معاهده ای نیاز بود که بتواند این مشکل را حل کند. عمده مشکل در زمینه تجارت آثار مالکیت فکری (اف) فقدان مقررات حل و فصل اختلافات ناشی از اجرای کنوانسیون های مربوط به مالکیت فکری (ب) فقدان مقررات در مورد موضوع های روز که در کنوانسیون های قبلی اثری از آنان وجود نداشت (ج) توسعه تجارت آثار فکری و همراه با توسعه تکنولوژی (د) زیاد شدن سرقت عای علمی از آثار مالکیت فکری و لزوم کنترل و جلوگیری از آن^۲ با توجه به این مشکلات و چالش ها می توان علت تشکیل تریپس را متوجه شد.

(ب) سازکار ها و راه حل های تریپس

تریپس چون جزء سازمان تجارت جهانی است و توسط این سازمان اداره می شود از ساختار آن نیز استفاده می نماید. سازمان تجارت جهانی دارای ارکانی مانند کنفرانس وزیران، شورای عمومی و ... است، اما بخش مورد نظر ما بخش رکن حل اختلاف سازمان تجارت جهانی می باشد که تحت نظر شورای عمومی است. بنابراین برای اولین بار معاهده ای در زمینه مالکیت فکری تاسیس شد که دارای مرجع حل اختلاف و رسیدگی به شکایات بود. حتی موافقتنامه تریپس در خود قواعدی برای جلوگیری از بروز اختلافات دارد که در ماده ۶۳ آورده از تحت عنوان شفافیت^۳ آورده است. این دو تنها مواردی نیست که تریپس با خود به دنیای مالکیت فکری وارد کرده است و اصل دولت کامله الوداد نیز با این موافقتنامه وارد دنیای مالکیت فکری شد البته این موافقتنامه از تمامی موضوعات مندرج در کنوانسیون های برن و پاریس حمایت می کند و استاندارد های حداقلی را در این زمینه

۱: شاه حسینی، سمیه؛ وصفی اسفستانی، شهرام؛ ناصرزاده، سمیه (۱۳۹۶)، ارزیابی نقش حمایت از حقوق مالکیت فکری در رشد اقتصادی: مطالعه موردی TRIP، فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۸۴، ص ۶۷

۲: دیلمی، احمد، (۱۳۸۵)، کمی رایب و حقوق مرتبط از برن تا تریپس، فصلنامه فقه، شماره ۱۳، ص ۱۷۳-۱۷۴

معین می نماید و تمامی کشورهای عضو مانند کنوانسیون برن و پاریس باید قوانین خود را مطابق با این موافقتنامه تغییر بدهند و تنظیم نمایند. در بحث حل اختلاف موافقتنامه تریپس موافقتنامه تریپس در باب اجرا و تفسیر حقوق مالکیت فکری ضمانت های اجرا مدنی، گمرکی اداری و کیفی را مقرر نموده است. در واقع موافقتنامه تریپس برای اولین بار ضمانت اجراهای موثر در زمینه حمایت از حقوق مالکیت فکری را ارائه کرده است.^۱ برای مثال در مورد نقض یکی از حقوق مالکیت فکری معاهده تریپس ضمانت اجرای جبران خسارت شخص دارای حقوق مالکیت فکری را به صورتی که کافی باشد و ضررهای او جبران بشود را در نظر گرفته است. سازگتر حل اختلاف سازمان تجارت جهانی و تریپس دارای دو نهاد تصمیم گیرنده و سه مرحله می باشد. اولین نهاد تشکیل هیئت رسیدگی و در صورت اعتراض به رای یا پیشنهاد این نهاد استیناف تشکیل می شود. البته قبل از این رسیدگی ها مرحله ای وجود دارد که به عنوان مشورت میان کشور ها اتفاق می افتد، البته برای شکایت در رکن حل اختلاف سازمان تجارت جهانی شخصی که حق او نقض شده است نمی تواند شکایت انجام دهد و این عمل باید توسط دولت متبوع او صورت می گیرد. این شکایت مراحل مختلفی را شامل می شود که گام اول مشورت می باشد که حداکثر ۶۰ روز طول می کشد.^۲ اگر این مرحله باعث ختم اختلاف نشد ظرف ۴۵ روز پانل تشکیل و ظرف نهایتاً شش ماه باید نظر خود را اعلام نماید، در آخرین مرحله اگر در مدت ۶۰ روز رای پانل در شورای حل اختلاف رد نشود این رای قطعی می شود. این دولت ها هستند که باید از منافع حاصل از حقوق مالکیت فکری که به آنان و اتباع آنان تعلق دارد دفاع نمایند. برای مثال در بحث جبران خسارت که یکی از ضمانت های اجرای پیش بینی شده در تریپس می باشد خسارت به دولت یا همان دولت متضرر پرداخت می گردد.

موضوع بعد در رابطه با تریپس رابطه آن با وایپو به عنوان دو نهاد و سازمان بین المللی اصلی در رابطه با حقوق مالکیت فکری نحوه تعامل این دو سازمان با یکدیگر است و این که دوباره کاری و تداخل وظایفی صورت نگیرد. در این موضوع باید بیان کرد که این دو سازمان با یکدیگر در هماهنگی کامل قرار دارند و تداخل وظیفه ای با یکدیگر ندارند و وایپو به توسعه حقوق مالکیت فکری در جهان و وضع مقررات و آموزش مالکیت فکری در سطح جهان می پردازد و تریپس نیز به حل اختلافات ناشی از حقوق مالکیت فکری و مدیریت تجارت آن می پردازد.

با تشکیل سازمان تجارت جهانی و انعقاد موافقتنامه تریپس نظام مالکیت فکری که با وایپو تشکیل و شد با این موافقتنامه دارای سازگار حل اختلاف و جلوگیری و مجازات اعمالی که مغایر با حقوق

۱: ریپسی، لایلا، (۱۳۸۵)، بررسی و ارزیابی شیوه های حل اختلافات مربوط به مالکیت فکری در وایپو و تریپس، مجله حقوقی مفید شماره ۲، ص

مالکیت فکری است و به یک نظام دارای ضمانت اجرا تبدیل شد. و به این ترتیب نظام مالکیت فکری تکمیل شد. نظامی دارای اهداف ، اصول ، جهان شمول ، دارای حمایت و ضمانت اجرا شد.

